

# تحليل أخطاء المتلازمات اللفظية في كتابات متعلمي اللغة العربية من الناطقين بالفارسية

ربابه بهلولي \*

سميه كاظمي نجف آبادي

كاميار عبدالتاجديني

## الملخص

يعدّ تحليل الأخطاء اللغوية لمتعلمي اللغة من الأساليب الهامة والفعالة في تعزيز عملية التعليم والتعلم، فدراسة الأخطاء تتيح فرصة ثمينة للباحثين لتحديد الأخطاء بأنواعها المختلفة وأسباب حدوثها، وبذلك يتم التوصل إلى طرق فعالة لتحسين الأساليب والمناهج التعليمية. تعتبر الأخطاء التلازمية من الأخطاء التي يرتكبها متعلمو اللغة أثناء تعلّم لغة أجنبية. والمتلازمات اللغوية هي عناصر لغوية يكون تكرار حدوثها أكثر من المعتاد حيث لا يمكن اعتباره عشوائياً. بما أن المتلازمات اللغوية تلعب دوراً فعالاً في تنمية المهارات اللغوية والكلامية، يقوم هذا البحث معتمداً على المنهج الوصفي - التحليلي بدراسة الأخطاء التلازمية اللفظية لمتعلمي اللغة العربية من الناطقين بالفارسية بجامعة أصفهان وهم في الفصل الخامس من تعليم اللغة العربية في سنة ١٣٩٦ - ١٣٩٧ هـ. ش هادفاً لتحديد ما يؤدي إلى وقوعهم في الأخطاء وفقاً للتصنيف الذي قدّمه بنسون وزملاؤه (٢٠٠٩م). لذلك تمّ البحث بجمع ما يقارب عن مئتي نص مكتوب وبعد دراسته تم الكشف عن ست وعشرين خطأً من الأخطاء التلازمية اللفظية. وقد تمت دراسة أسباب حدوث الأخطاء ومصادرها في ثلاثة مستويات وهي أخطاء داخل اللغة وأخطاء التداخل اللغوي والأخطاء الغامضة. ومن النتائج التي توصلت إليها الدراسة أنّه تحتصّ ٦٥٪ من الأخطاء بأخطاء داخل اللغة و٢٣٪ بأخطاء التداخل اللغوي و١٢٪ بالأخطاء الغامضة. والجدير بالذكر أن قسماً كبيراً من أخطاء المتلازمات اللفظية يتعلق بخطأ «الاسم + الفعل».

s.kazemi@fgn.ui.ac.ir

K.Tajedini@fgn.ui.ac.ir

(\*) جامعة اصفهان

تحليل أخطاء المتلازمات اللفظية في كتابات متعلمي اللغة العربية من الناطقين بالفارسية

الكلمات الأساسية: تعليم اللغة، المتلازمات اللفظية، الأخطاء اللغوية، اللغة العربية.

بررسی خطاهای باهم‌آیی واژگانی در نگارش عربی‌آموزان ایرانی

## چکیده

بررسی و تحلیل خطاهای زبانی زبان‌آموزان به عنوان یکی از شیوه‌های مهم و اثر بخش در پیشبرد یادگیری به‌شمار می‌رود. در واقع بروز اجتناب‌ناپذیر خطا، در روند یادگیری زبان و مطالعه آن، این امکان را برای پژوهشگران فراهم می‌آورد که انواع خطاها و علل بروز آنها را بشناسند و از این طریق، راههای مؤثری در جهت بهبود و اصلاح شیوه آموزشی ارائه نمایند. خطاهای مربوط به الگوهای باهم‌آیی از جمله خطاهایی است که زبان‌آموزان طی یادگیری زبان خارجی با آن روبرو میشوند. باهم‌آییها، عناصر زبانی هستند که بسامد و وقوع آنها در کنار هم، به لحاظ آماری بیش از حد معمول است تا حدی که نمیتوان آنها را تصادفی دانست. از آنجایی که باهم‌آییها در افزایش مهارت زبانی و کلامی بسیار تأثیرگذار است، پژوهش حاضر بر اساس تقسیم‌بندی بنسون و همکاران (۲۰۰۹) که باهم‌آییها را به دو دسته واژگانی و دستوری تقسیم کرده‌اند، به بررسی خطاهای باهم‌آیی واژگانی دانشجویان دوره کارشناسی زبان و ادبیات عربی در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ پرداخته است؛ بدین منظور با جمع‌آوری و بررسی ۲۰۰ متن نوشتاری عربی‌آموزان، ۲۶ گونه خطای باهم‌آیی واژگانی تشخیص داده شد. منشأ این خطاها در قالب سه عامل عمده میان‌زبانی، درون‌زبانی و مبهم مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل داده‌های پژوهش حاکی از آن است که بیشترین منشأ خطاها از نوع درون‌زبانی ۶۵٪ و سپس خطای بین‌زبانی ۲۳٪ و در پایان نیز خطای مبهم کمترین درصد ۱۲٪ را به خود اختصاص داده است. در میان خطاهای باهم‌آیی واژگانی خطای باهم‌آیی «اسم + فعل» بیشترین بسامد خطا و خطای «اسم + صفت» دارای کمترین بسامد خطا هستند.

کلیدواژه‌ها: آموزش زبان، باهم‌آیی‌واژگانی، خطای زبانی، زبان عربی.

## ۱- مقدمه

زبان وسیله ایجاد ارتباط میان انسان‌هاست، این وسیله ارتباطی دارای نظامی پیچیده است به گونه‌ای که مردم هر جامعه از درک زبان جامعه دیگر بدون آموزش و یادگیری آن ناتوان هستند. در امر آموزش زبان دوم یادگیری واژه‌ها ضروری است، و زبان‌آموزان بخشی از وقت خود را صرف یادگیری آن میکنند. غالباً توانش‌های منفعل زبان‌آموزان از توانش‌های فعال آنها بسیار گسترده‌تر است، همین امر باعث می‌شود که زبان‌آموز علی‌رغم شناخت واژگانی و دستوری مناسب نتواند مانند گویشوران بومی صحبت کند. یکی

از دلایل این امر را باید وابسته به عدم شناخت بافت‌های زبانی دانست که يك واژه خاص می‌تواند در آن به کار رود.

بر این اساس فراگیران زبان خارجی علاوه بر شناخت صرف و قواعد معنایی، نیاز به شناخت قواعد باهم‌آیی‌های واژگانی نیز دارند؛ چرا که هر زبانی از قواعد باهم‌آیی خاصی برخوردار است و شناخت آن در روند یادگیری زبان نقش بسیار مهمی را ایفا میکند. بسیاری از پژوهشگران به اهمیت آموزش باهم‌آییها به جای واژه‌های منفرد در کلاسهای آموزش زبان تأکید کرده‌اند. بنابراین آموزش و یادگیری در حوزة واژگان نباید به تلفظ و معنی محدود شود، بلکه باید بافت و ترکیبات واژگانی نیز مورد توجه قرار گیرد.

برای گفتار و نوشتار صحیح باید از باهم‌آیی واژه‌ها آگاه بود و این مسئله مهمی در یادگیری و به‌کارگیری زبان محسوب میشود. اکثر زبانآموزان، مشکلات فراوانی در گزینش و چینش واژه‌های مناسب در کنار هم دارند. این مسئله به دلیل عدم آگاهی آنان از قواعد همنشینی واژگان زبان دوم و نحوه توزیع تکواژها و واژه‌ها است؛ این در حالی است که گویشوران بومی به طور ضمنی از این دانش برخوردار هستند. بدین منظور پژوهش حاضر بر آن است با تحلیل نوشته‌های عربی‌آموزان ایرانی، خطاهای باهم‌آیی واژگانی آنها را بر اساس نظریه بنسون و همکاران تعیین و پس از دسته‌بندی خطاها، میزان بسامد وقوع هر يك از انواع باهم‌آییها را مشخص کرده و با تکیه بر نظریه کورد در ۱ به تحلیل خطاهای باهم‌آیی بپردازد.

به طور کلی این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤال‌های زیر است:

- ۱- انواع خطاهای باهم‌آیی واژگانی عربی‌آموزان ایرانی کدامند؟
- ۲- خطاهای باهم‌آیی واژگانی عربی‌آموزان ایرانی از چه منبعی نشأت می‌گیرند؟

## ۲- پیشینه پژوهش

نخستین جرقه‌های پدیده باهم‌آیی و بسیاری دیگر از پدیده‌های زبانی را نمی‌توان به آسانی ردیابی کرد و نمی‌توان با ضرس قاطع از يك پژوهشگر به عنوان واضع قطعی آن نام برد. اختلافات متعددی در مورد باهم‌آییها نیز وجود دارد برخی چون اشرف (۱۹۹۴) پورتسیگ ۳ را به عنوان نخستین کسی که به موضوع باهم‌آییها پرداخته است، معرفی میکنند، ولی اغلب فرث (۱۹۵۷) را به عنوان واضع و معرف اصطلاح باهم‌آییها می‌شناسند (ملمکیار، ۴، ۲۰۰۴، به نقل از مدرس خیابانی، ۱۳۸۶: ۳). در ادبیات کلاسیک عرب نیز نمونه‌های فراوانی از پدیده باهم‌آیی را در کتاب‌های اندیشمندان چون جاحظ (۲۵۵)، قدامه بن جعفر

(۳۳۷)، الهمدانی (۳۲۰)، ابوهلال عسکری (۴۰۰)، ثعالبی (۴۲۹) و غیره خواهیم یافت که در کتاب‌های خود به طور پراکنده به آن پرداخته‌اند، هر چند که تألیفات خویش را به این اسم نام‌گذاری نکرده‌اند.

پژوهشگران معاصر عرب برای اصطلاح «باهمآیی» در تألیفات خود از اصطلاحات متنوعی نظیر «المصاحبة»، «التلازم»، «الاقتران اللفظي»، «الرصف و النظم»، «التضام» و «قیود التوارد» استفاده کرده‌اند. محمد ابوالفرج (۱۹۶۶) نخستین کسی بود که پدیده باهمآیی را در زبان عربی معرفی کرد. او اصطلاح «المصاحبة» را برای این پدیده وضع نمود (عبدالعزیز، ۱۹۹۰: ۶۰). وی ریشه‌های این پدیده را در ادبیات قدیم عرب به خوبی جستجو کرده و به تلاش‌های جاحظ در این زمینه تأکید می‌کند و این پدیده را از جنبه دلالتی و معجمی بررسی کرده است (ابوالفرج، ۱۹۶۶: ۱۱۱). از میان زبان‌شناسان مطرح در جهان عرب افراد دیگری نیز به این پدیده زبانی اشاراتی داشته‌اند، از جمله احمد مختار عمر در کتاب علم الدلالة از این پدیده زبانی با عناوین «توافق الوقوع»، «الرصف» و «النظم» یاد می‌کند (عبد الفتاح الحسینی، ۲۰۰۷: ۶۷).

محمود فهمی حجازی (۱۹۹۸) نیز در کتاب مدخل الی علم اللغة العام از این پدیده به اسم «التضام» یاد می‌کند. محمد حسن عبدالعزیز (۱۹۹۰) نیز به باهمآییها در کتاب خود تحت عنوان المصاحبة في تعبير اللغوي پرداخته است. البرکاو (۱۹۹۱) در کتاب دلالة السياق و بین تورات و علم و لغة الحدیث، گاه آن را «الرصف» و گاهی «قیود التوارد» می‌نامد. تمام حسان (۱۹۷۹) در کتاب اللغة العربية معناها و مبناها نیز به این پدیده زبانی نگاهی نحوی دارد و از آن به عنوان «التلازم» یاد می‌کند.

در زمینه بررسی و تحلیل خطاهای باهمآیی در ایران تاکنون پژوهشهای بسیاری صورت گرفته است که بخشی از آن به خطاهای فراگیران زبان انگلیسی مربوط می‌شود:

شمس (۱۳۹۰) در رساله «بررسی توانایی دانشجویان زبان انگلیسی در استفاده از هماینها در گزارش نویسی»، هماینها را مورد استفاده دانشجویان سال سوم زبان انگلیسی را شناسایی و طبقه‌بندی کرده است. نتایج تحقیق او نشان داد که خطاهای افراد مورد مطالعه، ریشه‌های گوناگونی، از جمله تداخل زبانی دارند. همچنین آشکار شد که افراد مورد مطالعه از سطح بالای دانش هماینها برخوردار نبودند.

مسجدی (۱۳۹۰) در رساله «تحلیل محتوایی دانش همایندی فراگیران زبان خارجی و کاربرد آن در نگارش انگلیسی»، به بررسی خطاهای همایندی دستوری و واژگانی صد و پنجاه نمونه از نگارش دانشجویان سال‌های اول و دوم بر اساس مدل اصلاح شده بنسون پرداخت و پس از ارزیابی کلی مشخص می‌کند که منشأ اصلی خطاهای همایندی، نداشتن دانش کافی در مورد محدودیت‌های قواعد همایندی است.

در زمینه تحلیل خطاهای باهم‌آیی فراگیران زبان فارسی نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. افشین‌پور

(١٣٩٣) در پژوهش خود با عنوان «بررسی خطاهای باهم‌آیی در انشاهای فارسی آموزان عربی‌زبان» با بررسی ٢٦٠ برگه انشای فارسی آموزان عربیزبان تعداد ١٣٩ خطای باهم‌آیی تشخیص می‌دهد، که ٧٣ مورد آن خطای باهم‌آیی واژگانی و ٦٦ مورد خطای باهم‌آیی دستوری بودند. از بین عوامل مورد بررسی ٦٠ مورد از خطای باهم‌آیی را ناشی از انتقال زبان اول، ٣٧ مورد را ناشی از تعمیم‌دهی نادرست معانی و قواعد زبان دوم و ٤٢ مورد از مجموع خطاها را نیز ناشی از به کارگیری راهبردهای یادگیری زبان دوم میدانند.

اما در حوزه یادگیری زبان عربی در ایران تاکنون پیرامون چگونگی باهم‌آیها در تولیدات عربی‌آموزان ایرانی و دلایل آن پژوهشی صورت نگرفته است.

### ٣- مبانی نظری پژوهش

در این بخش به تعریف باهم‌آیها، وجوه افتراق آن با ترکیبات آزاد و اصطلاحها، رویکردهای مختلف نسبت به باهم‌آیها و باهم‌آیهای دستوری و واژگانی از نظر بنسون و دیگران (١٩٨٦) پرداخته می‌شود.

#### ٣-١ - باهم‌آیها

زبان با وجود محدودیت‌هایی که قواعد نحوی بر آن اعمال می‌کند، به گویشوران خود این اجازه را می‌دهد که بی‌نهایت واژه را با یکدیگر ترکیب کنند (امیرفر، ١٣٩٦: ٦٦)، با وجود اینکه در بسیاری از موارد این ترکیبها آزادانه صورت می‌گیرند، میتوان گفت که در ترکیب برخی از کلمات با یکدیگر محدودیت‌هایی مشاهده میشود به گونهای که آوردن جزئی بدون جزء دیگر به تشکیل ساختیغیر طبیعی میانجامد، میتوان گفت در همه زبانها محدودیت‌هایی در مورد این‌که چگونه کلمات با هم ترکیب شوند، وجود دارد و به چنین ترکیب‌هایی که در بین گویشوران بومی هر زبان شناخته شده‌اند «باهم‌آیی» گفته میشود.

فرث اولین بار اصطلاح باهم‌آیی را در سال ١٩٣٥ مطرح کرد (لئون، ٢٠٠٧)، به نقل از موسوی، (١٣٩٤: ٤٦). اما تعریف کاملتر باهم‌آیی به کارهای او در سال ١٩٥٧ باز میگردد. او این پدیده زبانی را اساساً معنا بنیاد فرض کرد نه دستوری؛ و آن را برای نامیدن و مشخص کردن ترکیبات، بر اساس رابطه معنایی -اصطلاحی و بسامد وقوع آن در زبان به کار برد. به نظر فرث معنی هر واژه به کمک معنی واژه‌هایی که معمولاً با آن همراه میشود، مشخص میشود (پالر، ١٣٧٤: ١٧٠). او باهم‌آیی را به مفهوم تخصصی تبدیل کرد و آن را مشخصهای بافت محور در نظر گرفت (فرث، ١٩٣٥)، به نقل از موسوی، (١٣٩٤: ٤٦). یول باهم‌آیی را بخشی از دانش واژگانی انسانها میدانند و بر این باور است که باهم‌آیها، واژگانی هستند که تمایل دارند با یکدیگر به وقوع بپیوندند (یول، ٢٠٠٦: ١٠٨).

بحثهای زیادی پیرامون پدیده باهمایی و تعریفهای متعددی از آن وجود دارد، اما تعریفی که در میان اکثر زبانشناسان به ویژه زبانشناسان ایرانی پذیرفته شده است، این است که باهماییها عناصر واژگانی هستند که وقوع آنها در کنار هم، از نظر آماری بسامد زیادی دارد و این بسامد وقوع تا اندازه‌های است که نمیتوان آن را تصادفی دانست (معصومی، ۱۳۹۰: ۱۶).

تمایز میان الگوهای باهمایی، اصطلاحات و ترکیبهای آزاد میتواند در فهم بهتر باهمایی مفید و مؤثر باشند. ترکیبات آزاد ساختارهای واژگانی هستند که در آن، واژهها در ترکیب شدن با عناصر واژگانی دیگر از آزادترین شرایط برخوردارند و علاوه بر آن هیچ محدودیت معنایی بر آنها اعمال نمیشود (موسوی، ۱۳۹۴: ۴۸)، برای مثال ترکیب «جعبه سنگین» یک تعبیر آزاد به شمار می‌رود که هر دو واژه از معنای حقیقی برخوردارند و می‌توانند با اسمهای بسیاری همنشین شوند، اما به نظر جولیا فالک ۵، اصطلاح، زنجیرهای از واژهها است که معنای کل آن از تک تک اجزای سازندهاش به دست نیاید و یادگیرندگان زبان باید آنها را به عنوان عناصر یکپارچه حفظ کنند (ریاضی و میهنخواه، ۱۳۸۳: ۹۰). بنابراین میتوان گفت یکی از ویژگیهای اصطلاح، اختلاف میان معنی اصلی و معنی ترکیبی آن است، به عنوان نمونه ترکیب «سر و سنگین» به معنی «باوقار» از معنی کلمات تشکیل دهنده آن قابل تشخیص نیست و هر دو کلمه «سر» و «سنگین» در معنای مجازی بهکار برده شده‌است.

بیکر (۱۳۹۳) بر این باور است که «اصطلاحات هیچ تغییر ساختاری و صوری را در شرایط معمول بر نمیتابند. مگر اینکه نویسنده / گوینده خودآگاهانه برای لطیفه ساختن یا بازی با کلمات تغییراتی انجام دهد در غیر اینصورت نویسنده یا گوینده هیچ یک از موارد زیر را انجام نمیدهد:

۱- ترتیب کلمات در اصطلاح را تغییر نمیدهد؛

۲- یک کلمه را از اصطلاح حذف نمیکند؛

۳- کلمه‌های را به اصطلاح نمیافزاید؛

۴- کلمه‌های را جایگزین کلمه‌های دیگر نمیکند؛

۵- ساخت دستوری اصطلاح را تغییر نمیدهد (۱۳۹۳: ۷۹).

باهماییها جایگاهی میان ترکیبات آزاد و اصطلاحها دارند، ویژگی اصلی الگوهای باهمایی واژگانی این است که میتوان برعکس اصطلاحات معنی آنها را از اجزای سازندهشان به دست آورد و در مقایسه

با ترکیبات آزاد همواره با هم به کار می‌روند، مانند: «غذای سنگین» که در این عبارت واژه «غذا» از معنای حقیقی و واژه «سنگین» از معنای مجازی برخوردار است. در واقع باهمآییها الگوهای معمول و رایج در هر زبان هستند، به عنوان مثال در زبان عربی کلمه «شاهق» (به معنای بلند) تنها با واژه «جبل» به کار می‌رود، لذا باهم‌آیی «رجل شاهق» نادرست است و بین اهل زبان کاربرد ندارد، هر چند هر دو واژه «طویل و شاهق» در زبان عربی به یک معناست، ولی هم‌آیندهای آن متفاوت است، در مثالی دیگر میتوان به صفت «وسیم» اشاره کرد که با کلمه «رجل» به کار می‌رود و ترکیب «رجل وسیم» بین اهل زبان شناخته شده و مرسوم است و همچنین کاربرد «امراة جمیلة» نیز برای آن‌ها طبیعی است ولی برعکس آن «امراة وسیمة» یا «رجل جمیل» نادرست است (حسام الدین، ۲۰۰۰، ج ۱: ۳۷).

هارتمن و جیمز باهم‌آییها را از نظر قوت و استحکام رابطه ثابتتر از ترکیبات آزاد و ضعیفتر از اصطلاحات میدانند (بهودی، ۱۳۹۴: ۶۹). با توجه به ویژگیهایی که از باهم‌آییها و اصطلاحات ذکر شد میتوان تفاوت آنها را در دو مورد زیر خلاصه کرد:

۱- اصطلاحها الگوهای ثابت زبان هستند که از نظر ظاهر، تغییری در آنها نمیتوان ایجاد کرد. در حالی که باهم‌آییها شامل حالت‌های مختلف صرفی یا اعرابی یک واژه با واژه همنشین میشوند، برای نمونه در باهم‌آیی «أحیل إلى التقاعد» میتوان ترکیب «محال إلى التقاعد» را به عنوان صورت دیگری از این باهم‌آیی به کار برد (امیرفر، ۱۳۹۶: ۸۹).

۲- اگر معنای یک عبارت، به کمک عناصر سازنده آن مشخص نشود، چنین عبارتی در زمره اصطلاحها قرار می‌گیرد، در صورتی که معنای باهم‌آییها حداقل به واسطه معنی یکی از عناصر سازنده‌اش قابل درک است؛ به عبارتی دیگر حداقل یکی از عناصر سازنده باهم‌آییها، معنی حقیقی دارند، برای نمونه «خواب سنگین» باهم‌آیی محسوب میشود، زیرا گرچه واژه «سنگین» در معنای مجازی به معنای «بسیار عمیق» به کار رفته است، ولی واژه «خواب» از معنای حقیقی برخوردار است. این در حالی است که عبارت «دست کج» اصطلاح تلقی میشود، زیرا معنای آن یعنی «دزد بودن» به واسطه عناصر سازنده آن قابل تشخیص نیست (مدرس خیابانی، ۱۳۸۶: ۳۰۴).

پژوهش‌های گسترده‌ای در حوزه باهم‌آیی صورت گرفته است که این پژوهش‌ها باعث به وجود آمدن رویکردهای متفاوتی در این زمینه شده است که ذکر تمامی این رویکردها به درازا می‌کشد؛ لذا به دو رویکرد کلی در حوزه باهم‌آییها اشاره میکنیم:

۱- رویکرد آماری: در این رویکرد پیکره زبانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این رویکرد مورد توجه افرادی چون؛ هالیدی ۶ و سینکلر ۷ (۲۰۰۴) قرار گرفت، آنان با تکیه بر نگرش فرث به استفاده از ابزار آماری برای بررسی باهمایی اشاره کردند. در این رویکرد باهمایی عبارت است از: هم وقوعی بیش از حد انتظار دو یا چند واژه در متن. به غیر از هالیدی و سینکلر، نگرش آماری در آثار زبان‌شناسی چون کیلمر ۸ (۱۹۸۲) و چرچ و دیگران ۹ (۱۹۹۱) کلیر ۱۰ (۱۹۹۳)، چونگا ۱۱ (۱۹۸۸)، اسماجا ۱۲ (۱۹۹۳) و استابز ۱۳ (۱۹۹۵) مورد توجه قرار گرفته است.

۲- رویکرد معنایی: در این رویکرد باهماییها بسته به میزان شفافیت معنایی عناصر سازنده، مشخص میشوند. در چنین رویکردی یکی از عناصر باهمایی از معنی حقیقی و عنصر دیگر از معنی مجازی برخوردار است. افرادی چون هاسمن ۱۴ (۱۹۸۴) و بنسون و دیگران ۱۵ (۱۹۸۶) با چنین رویکردی به بررسی باهماییها پرداختهاند (مدرس خیابانی، ۱۳۸۶: ۹۷).

### ۳-۲- باهماییهای واژگانی از نظر بنسون و دیگران (۱۹۸۶)

بنسون و دیگران (۱۹۸۶) در مقدمه فرهنگ بی‌بی‌بی ۱۴ به توصیف باهماییها و انواع آن میپردازند. به نظر آنان در زبان انگلیسی همچون بسیاری از زبانها، ساختار و عبارتهای غیر اصطلاحی و ثابت ۱۵ وجود دارد که آنها را توالیهای تکراری ۱۶، توالیهای ثابت یا باهمایی مینامند (بنسون، ۱۹۸۶، ix).

بنسون باهماییها را به دو دسته دستوری و واژگانی تقسیم‌بندی میکند؛ باهمایی دستوری شامل یک واژه مسلط ۱۷ (مانند؛ اسم، صفت، فعل) و یک حرف اضافه یا ساخت دستوری همچون مصدر یا بند ۱۸ است. مانند: «جدیر با»، «راغب فی»، و «ذهب إلی». در مقابل در باهمایی واژگانی معمولاً حرف اضافه یا صورت‌های مصدری یا بند وجود ندارد و شکل کلی باهمایی واژگانی معمولاً شامل اسم، صفت، فعل و قید است (همان: xxiv)، مانند: «ثورة بیضاء»، «أقام الصلاة»، و «رغیف الخبز».

بنسون و دیگران باهماییهای واژگانی را به هفت گروه تقسیم‌بندی کرده‌اند که در جدول ذیل با نمونه‌های فارسی توضیح داده شده است (بنسون و دیگران ۱۹۸۶، به نقل از مدرس خیابانی، ۱۳۸۶: ۱۶۹-۱۷۳):

جدول (٢-٢) باهمایهای واژگانی مدل بنسون

شماره گروه	الگوی ترکیبی	مثال
گروه ۱	فعل (معمولاً متعدی) + اسم/ ضمیر یا گروه حرف اضافه (فعلهایی با مفهوم «ایجاد کردن» یا «فعال کردن»)	تظاهرات برپا کردن، نماز اقامه کردن.
گروه ۲	فعل + اسم (فعلهایی با مفهوم «ریشهکن کردن» و «لغو کردن»)	خونریزی بند آمدن، وقت تلف کردن
گروه ۳	اسم + صفت اسم + اسم	سالیان دراز اصابت گلوله
گروه چهارم	اسم + فعل (فعل، ویژگی یا عمل شخص یا چیزی را که به صورت اسم به کار رفته است، بیان میکند.)	اسب شیهه کشیدن، چای دم کشیدن،
گروه پنجم	اسم + اسم:	الف) باهمایی يك واحد بزرگتر و عضو آن واحد الف) گله گوسفند، دسته ماهی، خوشه انگور
		ب) باهمایی گروهی کوچک یا خاص و گروهی بزرگ یا عام ب) حبه سیر، فروند هواپیما، قالب صابون
گروه ششم	قید + صفت	کاملاً روشن، همیشه آماده
گروه هفتم	قید + فعل	چپ چپ نگاه کردن، سخت نگران شدن

٤- پیکره پژوهش

این پژوهش برای بررسی خطاهای باهمایی واژگانی عربیآموزان و عوامل مؤثر در ایجاد آن از نظر بنسون و همکاران (۲۰۰۹) بهره میگیرد. جامعه آماری شامل ۴۴ نفر از عربیآموزان ایرانی در سطح متوسط مقطع کارشناسی دانشگاه اصفهان است. سن این گروه از زبانآموزان بین ۲۰-۲۲ سال است، همگی زن و زبان مادری ایشان زبان فارسی است. در این روش موضوعاتی متناسب با سطح دانشجویان پیشنهاد شد. نوشتن انشا توسط دانشجویان، بدون محدودیت زمانی بوده است و دانشجویان در استفاده از فرهنگ لغت آنلاین و غیر آنلاین آزاد بوده‌اند. به طور کلی حدود ۲۰۰ برگه انشا از دانشجویان در سال ۱۳۹۶ - ۱۳۹۷ جمعآوری شد و مورد بررسی قرار گرفت.

تحليل أخطاء المتلامزات اللغوية في كتابات متعلمي اللغة العربية من الناطقين بالفارسية

## ۵- تحلیل داده‌ها

به منظور تحلیل داده‌ها پس از دسته‌بندی انواع باهم‌آیی واژگانی از روش کوردرد برای تحلیل خطا استفاده شده است. تحلیل خطا توسط کوردرد و همکارانش در سال ۱۹۷۰ توسعه پیدا کرد. «در این مطالعات فرض بر آن بود که بسیاری از خطاهای یادگیرندگان به درک نادرست آنها از قوانین زبان جدید مربوط می‌شود. تا آن زمان خطا به عنوان کاستیهایی که باید از بین بروند معرفی می‌شدند، اما کوردرد (۱۹۶۷) نظری کاملاً متفاوت ارائه نمود و اظهار داشت که خطاها در فرایند یادگیری زبان‌دوم دارای اهمیت هستند. به نظر او تحلیل نظاممند خطاهایی که از زبان‌آموزان سر می‌زند، محدوددهایی را که نیازمند توجه بیشتر در هنگام آموزش هستند به معلمان مینمایاند» (علوی مقدم و خیرآبادی، ۱۳۹۱: ۴۹). کوردرد با توجه به منابع خطاهای زبانی، سه نوع خطا را در نظر می‌گیرد که عبارتند از:

۱- خطاهای بین زبانی که به علت تداخل زبان مادری با زبان خارجی به وجود می‌آیند؛

۲- خطاهای درون زبانی که به علت تعمیم افراطی قواعد دستوری توسط یادگیرنده به وجود می‌آیند؛

۳- خطاهایی که به علت شیوه غلط آموزشی صورت می‌گیرد (کوردرد، ۱۹۷۳: ۲۱۹).

در این بخش با بررسیهای انجام شده بر داده‌های گردآوری شده، ۲۹ خطای باهم‌آیی واژگانی شناسایی شد که شامل خطای «اسم + اسم»، «اسم + صفت»، «فعل + اسم» است. در تحلیل داده‌ها برای بررسی دقیق و روشن، خطاهای شناسایی شده بر اساس منشأ و علت بروز در سه دسته مختلف بین‌زبانی، درون‌زبانی و مبهم طبقه‌بندی نموده و سپس هر یک را به صورت کامل بررسی می‌کنیم.

## ۵-۱- خطاهای باهم‌آیی واژگانی ناشی از تداخل زبان مادری

زبان‌آموزان در مراحل ابتدایی یادگیری زبان دوم بیشتر از ساختارهای زبان مادری خود استفاده می‌کنند. در واقع قبل از اینکه زبان‌آموز از زبان دوم آگاهی داشته باشد، تنها نظام زبانی که میتواند از آن استفاده کند، زبان مادری اوست. در نتیجه خطاهای بین‌زبانی نتیجه انتقال عناصر آوایی، ساختارهای، دستوری، واژگانی - معنایی و سبکی زبان مادری زبان‌آموزان در یادگیری زبان مقصد است (احمدیان، ۱۳۹۰: ۲۱۹).

زبان‌آموزان در به کار بردن باهم‌آیها نیز تحت تأثیر دانش زبان اول خود قرار می‌گیرند و با ترجمه تحت‌اللفظی، ساختارها و واژگان زبان مادری را به زبان مقصد منتقل می‌کنند. در ادامه خطاهای باهم‌آیی واژگانی که زبان‌آموزان تحت تأثیر انتقال عناصر زبان اول مرتکب شده‌اند، بررسی می‌شوند. این بخش

مربوط به خطاهایی است که در آن زبانآموز به دلیل دایره محدود واژگانی خود از زبان مقصد قادر به بیان مقصود خود نشده است، بنابراین مستقیماً به زبان مادری خود رجوع کرده و مشکل خود را به کمک زبان اول حل کرده است و یا از زبان مادری خود واژه‌های را قرض گرفته است. در مواردی هم از ترجمه تحت اللفظی استفاده کرده و دچار خطا شده است. در ادامه خطاهای باهمآیی واژگانی که زبانآموزان تحت تأثیر زبان اول انجام داده‌اند، ارائه میشود، این خطاها شامل سه مقوله «اسم + اسم»، «اسم + صفت» و «فعل + صفت» هستند:

۵-۱-۱- اسم + اسم

منظور از ترکیب «اسم + اسم» خطاهایی است که در قالب مضاف و مضافیه رخ داده است، مانند:

نمونه خطا	صورت صحیح
(صدیقائی) في المرحلة الثانوية يدرسن في مدرسة حاد الأذهان	(صدیقائی) في المرحلة الثانوية يدرسن في مدرسة الموهبين

در این خطا زبانآموز به دلیل دایره واژگانی محدود خود در زبان دوم قادر به بیان مقصود خود نشده است، بنابراین به ترجمه تحت اللفظی واژه‌های ترکیب «مدرسه تیز هوشان» روی آورده است. الیس (۲۰۰۸) معتقد است اگر باهمآییهای دو زبان مانند هم باشند این مسئله باعث ایجاد انتقال مثبت از زبان اول به زبان دوم میشود و در صورتی که تطابق بین زبان اول و دوم وجود نداشته باشد، تفاوت ساختار باهمآییها در دو زبان برای زبانآموزان مشکل ایجاد میکند (افشینپور، ۱۳۹۳: ۳۱). به نظر میرسد زبانآموز با این فرض که برای هر کلمه تنها يك معادل مترادف در زبان مقصد وجود دارد، مرتکب چنین خطایی شده است.

نمونه خطا	صورت صحیح
هو يتوجه كثيراً لقرأة الصلاة والقرآن في بداية الوقت	هو يهتم كثيراً بإقامة الصلاة وقرأة القرآن في بداية الوقت

در این جمله زبانآموز با ترجمه تحت اللفظی «نماز خواندن» واژه «قرأة» را جایگزین «إقامة» کرده است. «نماز خواندن» تنها با فعل «أقام» به معنای «برپا کردن، ادا کردن» به کار میرود. «قرأة» به معنای «خواندن، تلاوت (خصوصاً تلاوت قرآن)» است. به نظر میرسد زبانآموز به دلیل عطف کردن «قرآن» به «نماز» دچار خطا شده است و از مصدری یکسان استفاده کرده است؛ چرا که در زبان فارسی «نماز» و «قرآن» با فعل «خواندن» استعمال میشود.

نمونه خطا	صورت صحیح
كل الأشياء الذى يحيطني مهيج جداً، مثل النجوم والطريق الشيرى	كل الأشياء التى تحيط بي مثير للإعجاب والدهشة، كالنجوم ودرّب التّبانة

در این نمونه نیز زبان‌آموز به دلیل ناآگاهی از معادل عربی «کهکشانشان راه شیری» سعی کرده است با ترجمه لفظ به لفظ نیاز ارتباطی خود را برطرف سازد. معادل «کهکشانشان راه شیری» در زبان عربی «درب التّبانة» است، این نوع باهمآیی را میتوان از «باهمآییهای تیره» محسوب کرد؛ چراکه برای گویشوران غیر بومی غیر قابل تولید و در اکثر موارد قابل فهم نیست (صفا و زمانی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). معنای وابسته همنشین (التّبانة) با هسته (درب)، با معنایی که خارج از ساختار باهمآیی استنباط میشود، کاملاً متفاوت است، اما در مقابل هسته (درب) معنای اصلی خود را حفظ کرده است.

۵-۱-۲- اسم + صفت

این گروه از خطاها از توالی دو اسم ساخته میشود به گونهای که اسم دوم توصیف کننده اسم نخست تلقی میشود، مانند:

نمونه خطا	صورت صحیح
نحب أن نستفيد من الغش لأنه يساعدنا في بعض المواقع الاضطرارية	يجب أن نستفيد من الغش لأنه يساعدنا في بعض المواقف الضرورية (الأوقات الطارئة)

زبان آموز برای بیان «شرایط یا موقعیت اضطراری» از ترکیب «المواقف الاضطرارية» استفاده کرده است. واژه «مواقع» از ریشه «وقع» از جمله کلمات مشترک در زبان عربی و فارسی است. این واژه در زبان عربی جمع دو کلمه «موقع» و «موقعة» با معانی متفاوت از هم است. «مواقع» را اگر با مفرد «موقعة» در نظر بگیریم به معنای صحنه جنگ، میدان نبرد و پیکار است که با جمله مذکور بیارتباط است و اگر با مفرد «موقع» در نظر بگیریم در معنای محل وقوع، محل فرود آمدن، زمان وقوع، مکان، موقعیت (جغرافیایی)، سایت (عمر، ۲۰۰۸: م ق ع)، کاربرد دارد. این واژه در زبان عربی در معنای موقعیت، بیشتر در موقعیتهای جغرافیایی کاربرد دارد، مانند: مواقع الأطلال: محل ویرانههای کهن. واژه «موقع» و جمع آن «مواقع» در زبان فارسی به معنای فرصت و هنگام است. در این خطا زبان‌آموز با توجه به اینکه اصل واژه، عربی است و به دلیل عدم اطلاع از تفاوت معنایی این واژه در زبان فارسی و عربی این واژه را در بافتی نامناسب به کار

برده است. دانش واژگانی ضعیف زبانآموز از زبان عربی را میتوان به عنوان یکی دیگر از دلایل خطا به شمار آورد؛ چراکه این نوع باهمایی از جمله باهماییهای قاعدهمند محسوب میشوند؛ معنای این نوع از باهماییها شفاف و برای گویشوران غیر بومی قابل درک و برای گویشوران غیر بومی به راحتی قابل تولید هستند و این امر به دلیل تواتر استفاده وابسته آنها در زبان است؛ مانند: ترس شدید، جریان قوی (صفا و زمانی، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

وجود واژههای عربی در زبان فارسی و یا به عبارتی وامواژههای عربی که با تغییر معنا در زبان فارسی کاربرد دارند، سبب تداخل منفی شده و در نتیجه موجب تأخیر و مانع تراشی در یادگیری زبان مقصد میشوند. برای ارائه جایگزین مناسب این واژه میتوان از کلماتی نظیر «المواقف» یا «الأوقات» استفاده کرد. در بخش دوم این باهمایی زبانآموز از کلمه «الاضطرارية» استفاده کرده است. به نظر میرسد انتخاب این واژه توسط زبانآموز نیز تحت تأثیر وامواژههای زبان مادری (زبان فارسی) باشد.

۵- ۱- ۳- فعل + اسم

نمونه خطا	صورت صحیح
حینما وقع ورقة الإمتحان أمامي، أخذتُ اضطرابا شديدا	حینما وضعت ورقة الإمتحان أمامي، شعرتُ بالتوتر

در این جمله واضح است که زبانآموز برای بیان عبارت «استرس گرفتم» به ترجمه تحتاللفظی واژه روی آورده است. در بخش اول عبارت با استفاده از فعل «أخذتُ» معادل فعل «گرفتم» مرتکب خطا شده و در بخش دوم عبارت نیز به نظر میرسد زبانآموز واژه «اضطراب» را با توجه به اینکه ریشههای عربی دارد و در فارسی به معنای «استرس» است، جایگزین واژه «التوتر» کرده است.

نمونه خطا	صورت صحیح
عرفت برنامج التليغرام و الاينستاغرام و ابني حسابا شخصية فيها	عرفت برنامج التليغرام و الاينستاغرام و أنشأت حسابا شخصيا فيهما

در این جمله زبانآموز تحت تأثیر زبان فارسی از فعل «أبني» که ترجمه واژه «می سازم» است، برای بیان «ایجاد حساب شخصی» استفاده کرده است؛ چراکه در فارسی از فعل «ساختن» برای بیان «ساختن اکانت در تلگرام و اینستاگرام» استفاده میشود، درحالی که برای بیان این عبارت در عربی از فعل «أنشأ» استفاده میکنیم.

تحليل أخطاء المتلامزات اللفظية في كتابات متعلمي اللغة العربية من الناطقين بالفارسية

در این بخش از میان سه نوع خطای صورت گرفته توسط زبانآموزان خطا در باهمایی «اسم + اسم» بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده و خطا در باهمایی «اسم + صفت» دارای کمترین بسامد است. این خطاها به دلیل ترجمه تحت‌اللفظی زبانآموزان از زبان مادری به زبان مقصد رخ داده است.

## ۵-۲- خطاهای باهمایی واژگانی ناشی از انتقالات زبان مقصد

خطای درون زبانی خطایی است که در نتیجه یادگیری غلط یا ناقص زبان مقصد به وجود می‌آید نه بر اساس تداخل زبان مادری (ریچارد، ۱۹۹۹: ۱۴۶)؛ به عبارت دیگر خطاهای درون‌زبانی یعنی تأثیر یک واحد زبان مقصد بر روی واحد دیگر زبان مقصد. به اعتقاد کشاورز در مرحله اول یادگیری زبان مقصد یا زبان خارجی، برتری با انتقال بین زبانی است، اما وقتی زبانآموز به یادگیری قسمتهای مختلف نظام زبان مقصد می‌پردازد، انتقال درون‌زبانی بیشتر نمایان می‌شود که این امر در یادگیری زبان، منطقی است (کشاورز، ۱۹۹۴: ۳۳).

این گروه از خطاهای عربی‌آموزان در رابطه با باهم‌آیی واژگانی در چهار دسته؛ «اسم + اسم»، «اسم + صفت»، «صله + موصول» و «فعل + اسم» دسته‌بندی شده است:

۵-۲-۱- اسم + اسم

نمونه خطا	صورت صحیح
أنا أحبُ ترميم الأجهزة الإلكترونية	أنا أحبُ إصلاح الأجهزة الإلكترونية

در زبان عربی واژه «ترمیم»، «تعمیر» و «اصلاح» معنایی مشترک دارند ولی حوزه کاربرد آنها با یکدیگر متفاوت است. برای بیان «تعمیر لوازم برقی» در زبان عربی از واژه «اصلاح» و «تصلیح» استفاده می‌شود. این خطا از نوع خطای درون زبانی محسوب می‌شود. برخی از واژه‌ها با وجود ترادف در هم‌آیی با واژه‌های گوناگون محدودیت دارند، آنچه باعث ایجاد این محدودیت شده است قیاس زبانی نیست، بلکه بیشتر عرف زبانی است که مشخص می‌کند چه اسم‌هایی با هم هم‌نشین شوند و یک ترکیب قابل قبول و متعارف بسازند (امیرفر، ۱۳۹۵: ۶۵).

در این نوع خطاها به دلیل هم‌معنایی واژه به‌کار رفته با واژه درست، معمولاً اختلالی در انتقال معنی ایجاد نمی‌شود، ولی از آنجایی که معیار سنجش درستی صورتهای زبانی، کاربرد آنها به وسیله گویشوران آن زبان است، با وجود ایفای نقش ارتباطی و بیان مفهوم مورد نظر زبانآموز، چنین صورتهایی قابل قبول نخواهد بود (گله داری، ۱۳۸۷: ۳۵۱).

نمونه خط	صورت صحيح
الآن عمري عشرين وأكون حافية اليدين	عمري عشرون سنة وأنا صفر اليدين

در این جمله زبانآموز برای بیان «دست خالی (بودن)» از ترکیب واژه «حافية» به معنای «برهنه» با واژه «اليدین» به معنی «دستها» استفاده کرده است. گویا زبانآموز تحت تأثیر ترکیب «حافية القَدَمین» به معنای «پا برهنه» با تغییر در این ترکیب سعی در بیان مفهوم خود داشته است. معادل مناسب «دست خالی (بودن)» به زبان عربی «صفر اليدين» است. این نوع ترکیب را میتوان از باهمآییهای شفاف محسوب کرد؛ چرا که این نوع باهمآیی گرچه برای گویشوران غیر بومی يك زبان قابل فهم است، ولی برای گویشوران غیر بومی نسبتاً قابل تولید نیست.

٥-٢-٢- اسم + صفت

نمونه خط	صورت صحيح
عمل في هذه المهن تطلب قوة الفكرية، قوة الجسدية ومدارج العلمية الفائقة	العمل في هذه المهن يتطلب القوة الفكرية، والقوة الجسدية والدرجات العلمية الفائقة

زبانآموز با جایگزین کردن واژه «مدارج» به جای واژه «درجة» برای بیان «درجههای (رتبههای) علمی بالا» دچار خطا شده است. واژه «درجة» يك واژه عربی است که در زبان عربی و فارسی به معنای «رتبه» کاربرد دارد. به نظر میرسد زبانآموز برای گریز از فارسی نویسی از «مدارج» استفاده کرده است. «مدارج» جمع واژه «مدرج» به معنای؛ راه و مسیر است (عمر، ۲۰۰۸: ۲۰۰۸). زبانآموز به دلیل عدم آگاهی از معنا و به دلیل ریشه مشترك این دو واژه به خطا، معنی واژه «مدارج» را به واژه «درجة» تعمیم داده است.

یکی از راهبردهای اساسی در یادگیری زبان تعمیمدهی است، افراد به منظور فهم جهان پیرامون، مفاهیم را در ذهن دستهبندی میکنند و بر اساس این دستهبندی قوانین را میسازند و بر طبق آنها آنچه را که متفاوت عمل میکند، پیشبینی میکنند، اما گاهی اوقات این پیشبینیها اشتباه است و این مسئله احتمالاً به دو دلیل ایجاد میشود؛ اول به دلیل استثنائاتی که در مورد قوانین وجود دارد؛ یعنی آن قوانین نمیتواند برای این موارد مستثنی عمل کند. دوم به دلیل اینکه این قوانین در طبقاتی متفاوت باید تقسیمبندی شود. تعمیمدهی به طور کامل یعنی به کاربرد قواعد از طریق پردازش دادههای زبانی، و تعمیمدهی نادرست یعنی گسترش استفاده از ویژگیهای خاصی از زبان دوم در موقعیتهای مختلف و به کارگیری قواعد در جایی که نامناسب است (لیتل وود، ۱۹۸۴: ۲۶-۲۴).

تحليل أخطاء المتلامزات اللفظية في كتابات متعلمي اللغة العربية من الناطقين بالفارسية

تداخل زبانی و تعمیمدهی نادرست دو فرایند مشابه هم هستند؛ در هر دو مورد فرد دانش قبلی خود را مورد استفاده قرار میدهد. «در تعمیمدهی نادرست، زبانآموز دانش قبلی را که از زبان دوم دارد به زبان دوم منتقل میکند، اما در تداخل زبانی، زبانآموز دانش قبلی را که از زبان مادریاش دارد، به منظور اینکه اطلاعات زبان دوم خود را طبقهبندی کند، به کار میگیرد» (همان: ۳۲).

به نظر میرسد زبانآموز به دلیل ریشه مشترك و گسترش معنایی کلمه «مدارج» به خطا این کلمه را جایگزین کلمه «درجات» کرده و مرتکب خطای تعمیمدهی نادرست شده باشد. در این نمونه، واژه «الدرجات» و «المراتب» به عنوان معادلی مناسب برای بیان «رتبهها» پیشنهاد میشود.

نمونه خطا	صورت صحیح
عندي في هذه الليالي النوم المخيف	رأيت في هذه الليالي أحلاماً مخيفة (مرعبة)

در این نمونه منظور زبانآموز «خواههای ترسناک» بوده است، ولی با ترجمه لفظ به لفظ آن را «النوم المخيف» ترجمه کرده است. به منظور ارائه تحلیلی درست، باید معانی کلمات «حلم»، «رؤیا» و «نوم» را بیان کرد. «نوم» به معنی «خواب»، و «حلم» و «رؤیا» هر دو به معنی «خواب دیدن» است. چون زبانآموز از صفت «مخيف» استفاده کرده است، «حلم» گزینه مناسبی است؛ چرا که واژه «مخيف» با «رؤیا» هم آبی ندارد. با وجود واژه جمع «الليالي» در این جمله باید «حلم» را نیز به صورت جمع بهکار برد، در نتیجه صفت نیز به صورت مؤنث به کار برده شود. به نظر میرسد زبانآموز با گسترش معنایی واژه «نوم» آن را به خطا جایگزین واژه «حلم» کرده است.

نمونه خطا	صورت صحیح
أطفالنا يحبون الثلوج ويصنعون الإنسان الثلوج بمساعدة والديهم	أطفالنا يحبون الثلوج ويصنعون الرجل الثلجي بمساعدة والديهم

در این جمله زبانآموز در ترکیب «الإنسان الثلوج» با ترجمه تحت اللفظی «آدم» به «الإنسان» دچار خطا شده است و در قسمت دوم این ترکیب اسم «الثلوج» را جانشین صفت نسبی «الثلجي» کرده است. در عربی برای بیان «آدم برفی» از واژه «الرجل» استفاده میشود. خطای قسمت اول نتیجه تداخل زبانی است و خطای قسمت دوم که به دلیل عدم توانایی زبانآموز در ساخت صفت، و عدم تشخیص صفت نسبی است، از جمله خطاهای میانزبانی محسوب میشود؛ چرا که زبانآموز به دلیل ناآگاهی از قواعد مرتکب این خطا شده است.

٥-٢-٣- فعل + اسم

نمونه خطا	صورت صحيح
كنت أريدُ أن أُخلق المصنَع الكبير	كنت أريدُ أن أنشأ المصنَع الكبير

واژه «خلقى» و «أنشأ» معانى نزدیک بهم دارند، این دو واژه هر دو به معنای «پدید آوردن» هستند، ولی برای بیان معنای «احداث کردن» از واژه «أنشأ» استفاده میشود. واژگان زیادی وجود دارند که با وجود هممعنا بودن همآیندهای متفاوتی دارند و این خود یکی از راههای نفی هممعنایی مطلق است. این خطا به نظر میرسد تحت تأثیر دانش محدود یا عدم اطلاع زبانآموز درباره کاربرد واژه در موقعیتهای مختلف ایجاد شود؛ چراکه زبانآموز نتوانسته واژههای مناسب در میان مجموعه واژگانی که در اختیار دارد پیدا کند، بنابراین واژههای را به خطا در جمله جایگزین میکند. این در حالی است که واژههای هممعنا در بافتهای مختلف باهمآییهای متفاوتی دارند.

نمونه خطا	صورت صحيح
وكان صعبٌ علينا أن نأكلها لأن ما كان قد سكب فيه الملح و الفلفل	وكان صعبٌ علينا أن نأكلها لأنه ما كان قد أضاف فيه الملح و الفلفل

فعل «ریخت» در زبان عربی معادلهای گوناگونی دارد، مانند: «صبَّ، سَكَبَ، كَبَّ» که از هر کدام در موقعیتهای مختلف استفاده میشوند. زبانآموز گرچه با انتخاب واژه «سَكَبَ» برای بیان «ریختن نمک و فلفل در غذا» منظور خود را رسانده است، ولی این واژه برای این عبارت نامأنوس و نامتعارف است. در زبان عربی برای بیان «ریختن نمک و فلفل در غذا» از واژه «أضافَ» استفاده میشود. چنین نمونه‌هایی بیانگر آن است که زبانآموز به دانش زبانی کافی برای تشخیص کاربرد واژههای هممعنا دست نیافته است.

نمونه خطا	صورت صحيح
العَش هو أوَّل طريق النجاة التي حَدَّت في بالنا	العَش هو أوَّل طريق يخطر على بالنا للنجاة

به نظر میرسد زبانآموز با اصطلاح «خطر علی باله» به معنای «به خاطرش رسید» آشنا بوده است، ولی به خطا از فعل «حدث» به عنوان جایگزینی برای فعل «خطر» استفاده کرده است. «حدث» به معنای «رخ دادن» و «خطر» به معنای «به فکر (کسی) خطور کردن» است. احتمالاً زبانآموز میدانند این جایگزین مناسبی

نیست، ولی با گسترش معنایی واژه «حدث» آن را جایگزین فعل «خطر» کرده است. دلایل این جایگزینیها میتواند نداشتن مدخل واژگانی مورد نظر و عدم اطلاع از محدودیتهای واژگانی باشد.

نمونه خطا	صورت صحیح
ولكن الآن يدخل وسائل الزراعة في البلد	ولكن الآن <u>تورد</u> الآلات الزراعية في البلد

فعل «أدخل» و «أورد» هر دو به معنای «وارد کردن» است، ولی برای بیان «وارد کردن کالا به کشور» از واژه «أورد» استفاده میشود. زبانآموز به دلیل تشابه معنایی این دو واژه مرتکب خطا شده و واژه‌های را که بیشتر با آن آشنایی ذهنی داشته، انتخاب کرده است. در این عبارت منظور زبانآموز از «وسائل الزراعة» «دستگاه و تجهیزات کشاورزی» است، بنابراین استفاده از عبارت «الآلات الزراعية» مناسبتر است.

نمونه خطا	صورت صحیح
أقرأ الكتاب الذي يربط بالفرع اللغة العربية	أقرأ الكتاب الذي يربط <u>بفرع</u> اللغة العربية

زبانآموز به گمان اینکه فعل «ربط» به معنای «ربط داشتن» است، این فعل را انتخاب کرده است. برخلاف تصور زبانآموز فعل «ربط» با مفعول مستقیم به معنای «محکم بستن» است و با حروف جر «إلى»، «بين... وبين» و «على» نیز کاربرد دارد (آذرنوش، ۱۳۹۱: «ربط»)، ولی با این حروف مختص خود نیز معنی «مرتبط بودن» را نمیدهد. زبان آموز در این جمله نیز در انتخاب صحیح فعل دچار خطا شده است.

نمونه خطا	صورت صحیح
ذهبتُ إلى المدرسة ودخلتُ إلى الحفلة التي <u>انعقد</u> ها في المدرسة	ذهبتُ إلى المدرسة ودخلتُ إلى الحفلة التي <u>أقيمت</u> في المدرسة

در این نمونه زبانآموز برای بیان «برپا شدن (جشن)» از فعل «انعقد» استفاده کرده است. فعل «انعقد» در معنای «برپا شدن» نیز به کار میرود، ولی بیشتر در معنای «برگزار شدن جلسه، کنفرانس و مانند آن» کاربرد دارد. عربزبانان برای بیان «برپا شدن جشن» از فعل مجهول «أقيم» استفاده میکنند.

نموه خطا	صورت صحيح
قد أكد على أن الغش حرامٌ ويفقد حق الآخرين	قد أكد على أن الغش حرامٌ ويضيع حق الآخرين

در این نمونه نیز باید به این نکته توجه کرد که با وجود اینکه دو فعل «أضاع» و «فقد» دارای معانی مشترک نظیر «از دست دادن، گم کردن» هستند، ولی فعل «أضاع» دربرگیرنده معنای بیشتری نظیر «از بین بردن، ضایع کردن» است و برای بیان «وقت را تلف کردن» و «حق را پایمال کردن» از فعل «أضاع» و «ضیع» استفاده میشود. زبانآموز با گسترش معنایی فعل «فقد» و همراه ساختن آن با اسم «حق» نیاز ارتباطی خود را برآورده کرده است.

أريد أن أنتهي فرع اللغة العربية	أريد أن أنتهي من (أنهي) دراستي في فرع اللغة العربية
---------------------------------	---

در توضیح خطای این نمونه نیز باید گفت که فعلها با قرار گرفتن در باهای مختلف معانی متفاوتی به دست می‌آورند. زبانآموز از ریشه فعلی «نهي» استفاده کرده است، ولی در انتخاب باب صحیح فعل برای بیان منظور خود موفق نشده است. لازم به ذکر است که فعل «انتهی» با حرف «من» معنای «پایان رساندن» میدهد، همچنین فعل «أنهي» در باب افعال برای این جمله مناسب است که بدون حرف جر به کار می‌رود.

در واقع خطاهای مربوط به «فعل + اسم» در نگارش دانشجویان به وفور یافت می‌شود که در جدول زیر به اختصار به چند نمونه دیگر از این نوع خطاها اشاره می‌شود:

أبي ما عرف كيف يضيء شعلة الفرن	أبي ما عرف (لم يعرف) كيف يشعل الفرن
هي يغطي الملابس الغالي والنظيف	هي ترتدي الملابس الغالية والنظيفة
نستخدم على أساس أفكارنا التصميمات الهامة	نأخذ القرارات الهامة على أساس أفكارنا
نزلت أوراق الأشجار على الأرض	سقطت (تساقطت) أوراق الأشجار على الأرض

از مجموع خطاهای شناسایی شده در حوزه خطاهای باهمایی واژگانی با منشأ درون زبانی، بیشترین خطا مربوط به حیطة «فعل + اسم» و کمترین خطا مربوط به حیطة «اسم + اسم» است. این نوع خطاها که در نتیجه یادگیری ناقص یا غلط زبان مقصد است، به دلیل پیچیدگی ساختار زبانی زبان مقصد رخ میدهد. تعمیم‌دهی نادرست یکی از عوامل مهم خطای زبان‌آموزان در این بخش به‌شمار می‌آید.

### ۵-۳- خطاهای مبهم

به اعتقاد مکریان ۱۹ (مکریان، ۱۹۸۶: ۲۲). این خطاها هم در فراگیری زبان اول و هم در یادگیری زبان دوم مشاهده میشوند. در واقع خطاهایی که محصول هر دو نظام زبانی مبدأ و مقصد هستند، خطاهای مبهم نام دارند (کوردر، ۱۹۷۵، به نقل از کشاورز، ۱۹۹۹: ۱۰۱).

در این قسمت به خطاهای باهم‌آیی واژگانی مبهم در نگارش عربی‌آموزان ایرانی می‌پردازیم:

### ۵-۳-۱- اسم + اسم

نمونه خطا	صورت صحیح
الحرية الشخصية مثل: انتخاب الدين والزوج وفرع الجامعة	الحرية الشخصية مثل: اختيار الدين والزوج وفرع الجامعة

«انتخاب» واژه‌های عربی، از ریشه «نخب» است، که به باب افتعال رفته است. این واژه هم در زبان عربی و هم در زبان فارسی کاربرد دارد، ولی در زبان فارسی به معنای «گزینش» است و در زبان عربی نیز گرچه معنای «گزینش» را می‌رساند، ولی در حوزه انتخاب کردن کسی در انتخابات نظیر انتخابات مجلس یا ریاست جمهوری کاربرد دارد (عمر، ۲۰۰۸: «نخب»). در زبان عربی برای بیان انتخاب دین، همسر و... از واژه «اختیار» استفاده میشود. منبع این خطا به دو صورت قابل تحلیل است؛ نخست میتوان با فرض عدم آگاهی زبان‌آموز از عربی بودن این واژه، تداخل زبانی در نظر گرفت؛ چراکه زبان‌آموز به صورت مستقیم واژه «انتخاب» را از زبان مادری خود (فارسی) وام گرفته است و در صورت آگاهی زبان‌آموز از عربی بودن این واژه و معنای آن میتوان این خطا را از جمله خطاهای درون زبانی نیز به‌شمار آورد؛ چراکه واژه‌های «انتخاب» و «اختیار» با وجود تشابه معنایی کاربردهای متفاوتی دارند و زبان‌آموز به دلیل عدم اطلاع از حوزه کاربرد این واژه دچار خطا شده است.

٥-٣-٢- اسم + صفت

نمونه خطا	صورت صحيح
حينما كنتُ في السَّنَةِ الأخرِة في الثانويّة	حينما كنتُ في السَّنَةِ الأخرِة في الثانويّة

معادل «سال آخر» در زبان عربی «السنة الأخيرة» است که زبانآموز به خطا واژه «الأخرة» را جایگزین واژه «الأخيرة» کرده است. «آخر» واژه‌های عربی است که در زبان فارسی نیز کاربرد دارد. این واژه نیز از نظر معنایی در زبان فارسی و عربی با یکدیگر تفاوت دارند. «آخر» در زبان عربی به معنای «پایان» است و «أخرة» به معنای «آخرت و جهان دیگر». منبع این خطا را هم میتوان تداخل زبانی و هم میتوان درون‌زبانی در نظر گرفت، گویا زبانآموز به دلیل ریشه مشترک میان واژه «أخرة» و «أخيرة» و عدم آگاهی صحیح از معنای این واژه مرتکب این خطا شده است.

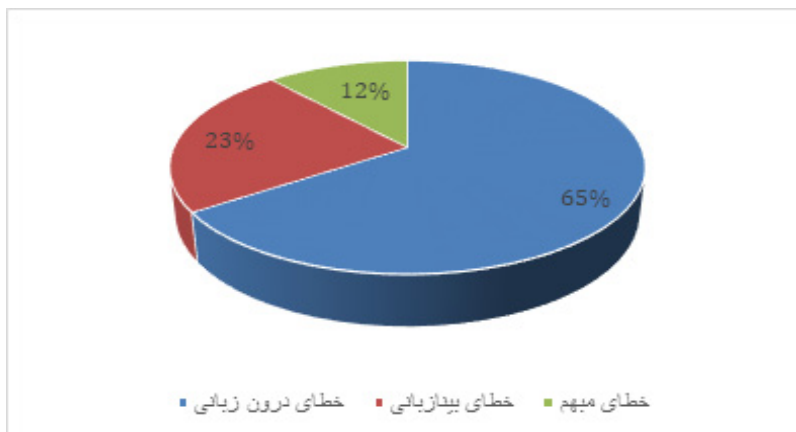
٥-٣-٣- فعل + اسم

نمونه خطا	صورت صحيح
الامتحان شيء مفيد لكن بين الطلاب <u>بدل</u> بأمرٍ مخيفٍ للطلاب	الامتحان شيء مفيد لكنه <u>تحول</u> إلى أمرٍ مخيفٍ للطلاب

زبانآموز برای بیان «تبدیل به چیز ترسناکی شدن» از فعل «بدل ب» به معنای «عوض کردن» استفاده کرده است، در این خطا به نظر میرسد زبانآموز تحت تأثیر زبان فارسی از فعل «بدل» به معنای «تبدیل شدن» استفاده کرده است. علاوه بر آن با توجه به اینکه فعل «بدل» عربی است. و این جمله نیاز به فعلی لازم دارد عدم استفاده زبانآموز از باب تَفَعَّلَ یعنی «تَبَدَّلَ» به معنای «تبدیل شدن» گویای این امر است که زبانآموز از معانی باه‌های مختلف آگاهی ندارد و در انتخاب باه‌های فعلها دچار مشکل است، گزینه صحیح پیشنهادی برای این جمله استفاده از فعل «تحوّل إلى» است. با توجه به آنچه که ذکر شد منبع این خطا میتواند ترکیبی از تداخل و زبان مقصد باشد. خطاهای مبهم این پژوهش شامل سه گونه باهم آیی «اسم + اسم»، «اسم + صفت»، و «فعل + اسم» است که از نظر منشأ کمترین میزان خطا را به خود اختصاص داده است.

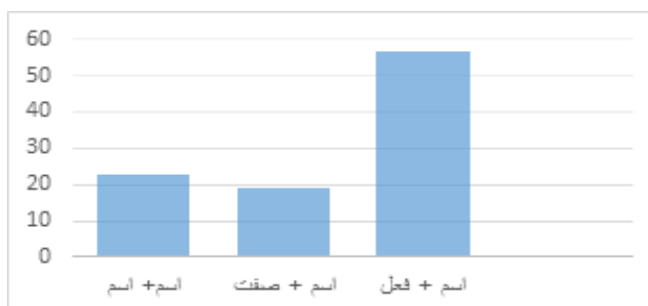
## ۶- نتایج تحلیل دادهها

به دنبال شناسایی و تجزیه و تحلیل خطاهای باهمایی واژگانی عربیآموزان، در این بخش از پژوهش با تعیین درصد خطاها، بسامد خطاهای زبانآموزان ارائه میگردد.



از مجموع کلخطاها بیشترین خطا دارای منشأ درون زبانی است و کمترین درصد خطاها مربوط به خطاهای مبهم است. نتایج دیگری که از پژوهش حاضر حاصل شد به شرح زیر است:

از مجموع خطاهای باهمایی واژگانی ۲۳٪ خطاها مربوط به باهمایی «اسم+ اسم»، ۲۰٪ آن مربوط به باهمایی «اسم+ صفت» و ۵۷٪ آن مربوط به باهمایی «اسم+ فعل» است. نمودار زیر نشاندهنده میزان فراوانی انواع خطاهای باهمایی عربیآموزان است که شایسته است در امر آموزش و تألیف کتابهای آموزشی با ارائه راهکارهای کارآمد مورد توجه قرار گیرد:



## ٧- نتیجه گیری

با در نظر گرفتن این اصل که در یادگیری زبان دوم بروز خطا اجتناب ناپذیر است، در پژوهش حاضر تلاش کردیم خطاهای باهمآیی واژگانی عربیآموزان را اساس کار خود قرار دهیم و بر اساس تقسیمبندی بنسون (۲۰۰۹) انواع باهمآیهای واژگانی تعیین شد، همچنین در بررسی علل دخیل در ایجاد خطاهای باهمآیی از نظر کورد در بهره گرفته شد. از مجموع ۲۰۰ برگه انشا که مورد بررسی قرار گرفت ۲۶ خطای باهمآیی واژگانی تشخیص داده شد و در سه گروه خطاهای «برونزبانی»، «درونزبانی» و «مبهم» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. میان سه عامل مورد بررسی ۲۳٪ خطا مربوط به خطای بینازبانی، ۶۵٪ خطا مربوط درونزبانی و ۱۲٪ خطا مبهم تشخیص داده شد.

در میان خطاهای درونزبانی باهمآیی «فعل + اسم» بیشترین میزان خطا را به خود اختصاص داده است. وجود ۶۵٪ از خطاها به خطاهای درونزبانی گویای تلاش عربیآموزان برای بهکارگیری زبان مقصد میباشد. تعمیمدهی نادرست، عدمآگاهی در زمینه واژگان و قواعد زبان عربی، وجود کلمات هممعنا و عدم آگاهی از کاربرد آنها در بافتهای مختلف را میتوان از مهمترین عوامل خطاهای باهمآیی با منشأ درونزبانی دانست.

بسامد بالای خطای باهمآیی «فعل + اسم» با منشأ درون زبانی بیانگر این است که زبانآموزان در کاربرد واژگان در بافت مناسب آگاهی کافی ندارند، لذا آموزش ترکیب واژهها به منظور افزایش مهارتهای نوشتاری امری ضروری است و دانستن معنای واژه به تنهایی کافی نیست. متناسب با خطاهایی که شناسایی شد، انتظار میرود در منابع آموزشی و محتوای تدریس زبانآموزان بازنگری گردد و در راستای کاهش خطاهای باهمآیی زبانآموزان، تمرینها و فعالیتهای کلاسی مناسب طراحی شود و در تدوین کتابها و منابع آموزشی لحاظ گردد. پیشنهاد میشود در آموزش واژهها در زبان عربی واژهها به صورت گروهی و همراه با متن آموزش داده شوند؛ چراکه بهتر در ذهن زبانآموز جای گرفته و توانش زبانی و طرز استفاده صحیح از واژهها افزایش مییابد.

## منابع

- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۹۱). فرهنگ معاصر عربی- فارسی بر اساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانسور. تهران: نشر نی.
- احمدوند، احمد. (۱۳۸۹). «تجزیه و تحلیل خطاهای نوشتاری فارسیآموزان آلمانی زبان سطح مقدماتی.» پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- احمدیان، احمد. (بیتا). «بررسی خطاهای زبانی در نوشتار دانشآموزان فارسیآموز کرد زبان (لهجه مهاباد) سطح متوسط دانشآموزی.» مجله زریبار، ۶۳: ۲۱۷-۲۳۹.
- افشینپور، مریم. (۱۳۹۳). «بررسی خطاهای باهمایی در انشاهای فارسیآموزان عربیزبان.» پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- امیرفر، محمد. (۱۳۹۶). «نقش باهمایی در ترجمه فارسی قرآن کریم.» رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- بهبودی، منیژه. (۱۳۹۴). «گوشوران زبان و باهمایی.» زبانشناخت، ۲: ۶۳-۷۶.
- پالمر، فرانک. (۱۳۷۴). نگاهی تازه به معنی‌شناسی. برگردان کورش صفوی، تهران: نشر مرکز.
- حسامالدین، کریم زکی. (۲۰۰۰م). التحليل الدلالي اجراءته و مناهجه. القاهرة: دار غریب.
- شمس، احسان. (۱۳۹۰). «بررسی توانایی دانشجویان زبان انگلیسی در استفاده از همبندها در گزارش نویسی.» پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- صفا، پیروش؛ و مینازمانی. (۱۳۹۱). «بررسی مقایسه‌های "باهم‌آییها" در کنش زبانی بیان شدت در فرانسه و فارسی.» جستارهای زبانی، ۱۱: ۱۲۳-۱۴۱.
- طلوعی نیا، سمیه. (۱۳۹۳). «تأثیر آموزش باهم‌آیی‌های واژگانی زبان فارسی بر اساس حوزه‌های معنایی بر یادگیری این مقوله توسط فارسی‌آموزان غیر فارسی‌زبان.» پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

- علوی مقدم، سید بهنام؛ و معصومه خیر آبادی. (١٣٩١). «تحلیل اشکالات نوشتاری دانش آموزان ایرانی غیر فارسی زبان (مخاطبان مجلات رشد)». نوآوریهای آموزشی، ٤٣.
- عمر، احمد مختار. (٢٠٠٨م). معجم اللغة العربية المعاصرة. قاهره: دار الكتب.
- گلهداری، منیژه. (١٣٨٧). «تحلیل خطاهای نوشتاری زبانآموزان غیر ایرانی». مجموعه مقالات سمینار آموزش زبان فارسی به غیر فارسیزبانان. تهران: کانون زبان ایران.
- مدرس خیابانی، شهرام. (١٣٨٦). «بررسی باهمایی واژگانی در زبان فارسی». پایاننامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مسجدی، عباس. (١٣٩٠). «تحلیل محتوایی دانش هایمانندی فراگیران زبان خارجی و کاربرد آن در نگارش انگلیسی». پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
- معصومی، رویا. (١٣٩٠). «بررسی اهمیت آموزش باهمایی های واژگانی در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان». پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- موسوی، سید حمزه. (١٣٩٤). «جستاری بر باهمایی واژگانی در زبان فارسی بر پایه نظریه قالبهای معنایی». پایاننامه دکتری، دانشگاه اصفهان.
- Benson, M., Benson, E. and Ilson, R. (1986) The BBI Combinatory Dictionary of English. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company
- Corder, S. P. (1973). Introducing Applied Linguistics. Harmondsworth: Penguin Education
- Higuera, M. (2004: 15): "Claves prácticas para la enseñanza del léxico" en Carabela. Madrid. SGEL.
- Keshavarz, M. (1999). Contrastive Analysis and Error Analysis. Rahnama.
- Littlewood, W.(1984). foreign and second language learning. Cambridge:

Cambridge university press.

- Mokrian, M. (1986). A Study of Interlingual and Interlingual Error of Iranian Freshman Students for Pedagogical Purposes. Shiraz: Shiraz University M.A. Thesis.
- Richards, J. et.al. (1992). Longman Dictionary of Rapped Linguistics London: Longman.
- Yule. G. The Study of Language (3 rd ed). Cambridge: Cambridge University Press, 2006.

## الهوامش

1. Corder
2. R. E. Asher
3. W. Porzig
4. K. Malmkjaer
5. Falk
6. Halliday
7. Sinclair
8. Kjellmer
9. Church
10. Clear
11. Choueka
12. Smadja
13. Stubbs
14. Benson and Benson and Ilson (BBI)
15. fixed
16. recurrent combinations
17. dominant
18. clause
19. Mocrian

## **An Investigation of Lexical Collocation Errors in Writing of Iranian Learners of Arabic**

**Robabeh Bohlooli**

**Master Degree in Arabic Language and Literature, University of Isfahan**

**Dr. Somayye Kazemi Najaf abadi**

**Associate Professor of Arabic Language and Literature, University of Isfahan**

**Dr. Kamyar Abdoltajedini**

**Assistant Professor of French Language, University of Isfahan**

Analyzing language errors is an effective way to improve language teaching. Studying errors in the language learning process enables researchers to identify their causes and types, as well as suggest effective methods for teaching improvement. Errors affecting lexical collocations are common among foreign language learners. Collocations are lexical elements whose frequency and co-occurrence exceed what would be expected by chance. Given the importance of mastering collocations for linguistic and communicative development, the present study aims to examine these collocations based on Benson's categorization: lexical and grammatical. This study investigates lexical collocation errors made by undergraduate students of Arabic language and literature at the University of Isfahan. For this purpose, 200 written texts were collected, and 29 types of lexical collocation errors were identified. The sources of the errors were analyzed according to three factors: interlingual, intralingual, and ambiguity. The results indicate that 65% of errors are due to intralingual factors, 23% to interlingual factors, and 11% to ambiguity. Among lexical collocation errors, "verb + noun" errors occur most frequently, while "noun + adjective" errors are the least frequent.

**Keywords:** Language Education, lexical collocations, language errors, Arabic language.